پیشرفت، با غفلت از فرهنگ غیر ممکن است

کیهان فرهنگی

موسوی بجنوردی، کاظم

حجتی کرمانی، محمدجواد

کیهان فرهنگی:جناب عالی به‏ عنوان بنیانگذار،رئیس و سرویراستار مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ممکن است دربارهء تاریخچهء مرکز توضیح دهید و انگیزه‏های خود را در تأسیس چنین مرکزی بیان فرمایید؟

موسوی بجنوردی:این مرکز در سال 1362 تشکیل شد و در اسفند ماه همان سال طبق مقررات‏ کشور به ثبت رسید.هدف این مرکز از ابتدا تدوین‏ دایرة المعارفهای اسلامی،عمومی و تخصصی بود و در واقع این مؤسسه به عنوان مرکزی برای‏

دایرة المعارف نویسی به وجود آمد.انگیزهء اصلی از تشکیل چنین مؤسسه‏ای این بود که احساس می‏شد پایه و اساس پیشرفت هر جامعه،تعالی فرهنگ آن‏ جامعه و تعمیم و توسعهء آن در همهء قشرهای مردم‏ است.پیشرفت،با غفلت از فرهنگ غیرممکن است. درهای ترقی و پیشرفت به روی ملتی گشوده می‏شود که اصالت فرهنگی خود را بازیابد و در غنای فرهنگ‏ خویش بکوشد.پیشرفت واقعی نطفه در فرهنگ دارد و هر جامعه‏ای که برای غنا و تعمیم فرهنگ خود سرمایه‏گذاری کند،به پیشرفت و ترقی نایل می‏شود. محو شدن در فرهنگ دیگران عین انحطاط و عقب ماندگی است و هرگز پیشرفت و ترقی به بار نمی‏آورد.تبلور فرهنگ هر قوم و ملتی در عرضهء وجود تشخص یافته آن است.فرهنگ تشخص یافته در برخورد با فرهنگ‏های دیگر درخشندگی بیشتری‏ می‏یابد و به دنبال تأثیرات متقابل،به اعتلای فرهنگ‏ بشری می‏انجامد.از این رو تمامی فرهنگ‏های اصیل و مشخص نه فقط ضدیت بین ملت‏ها را برنمی‏انگیزند، بلکه بهترین وسیله برای ارتباط منطقی در جهت‏ پیمودن روند رشدند؛و در واقع دوستی با ملتهای دیگر با تشخص فرهنگی ملت‏ها امکان‏پذیر است.از بین‏ بردن این تشخص‏ها به نفع این یا آن فرهنگ به مثابهء تحقیر انسانهایی است که فرهنگشان رنگ می‏بازد و در فرهنگ دیگر جذب و هضم می‏شود.اما این جذب و هضم به سادگی انجام نمی‏گیرد.دو جهت غالب و مغلوب را می‏نماید.فرد یا خانواده یا ملتی که فرهنگش‏را از دست می‏دهد و در فرهنگ بیگانه جذب می‏شود، جهت مغلوب رابطه را باز می‏تاباند و ملتی که فرهنگش‏ غلبه یافته و این مغلوبان را هضم و جذب کرده است، جهت غالب را باز می‏تاباند و مآلا با غرور جهت مغلوب را تحقیر می‏کند؛و به نظر می‏رسد که جانب مغلوب‏ سزاوار این حقیر هم باشد.هر کس خود را کوچک و ناچیز پنداشت،کوچک است و آنکه خود را بزرگ و قوی‏ انگاشت و در راه هدف خود به جای خیالپردازی تلاش‏ و کوشش نمود،بزرگ و نیرومند است.جهان ارتباطات‏ جهان تأثیرات دو سویه است.آن کس که خود را در این‏ جهان ارتباطات ببازد،رنگ می‏بازد و بی‏هویت می‏شود و آن کس که تشخص خود را حفظ کند،از ارتباطات رو به گسترش کنونی بهره می‏جوید و فرهنگش بارور می‏شود.از این رو،انگیزهء فعالیت برای اشاعهء فرهنگ و سامان دادن آن به دلیل ضرورتی که برای حفظ و صیانت و وحدت جامعهء ما دارد،بسیار نیرومند است و هر هوشمندی بدان باور دارد.از این رو کوشش برای‏ اشاعهء فرهنگ در هر سطح و کمیتی که باشد، ارزشمند است و در این میان تدوین دایرة المعارف‏ اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است،زیرا این اثر به عنوان کتابی که تمامی اندوخته‏های علمی و ذخایر فرهنگی ما را به صورت مدون و منظم و در متن نشأت‏ یافتهء تاریخی آن ارائه می‏دهد،از چنان عظمتی‏ برخوردار است که در واقع برای فرهنگ ما زیربنایی‏ ابدی و مستحکم فراهم می‏سازد.دایرة المعارف‏ اسلامی به بنای عظیمی می‏ماند که ملتی را با توانی‏ شگرف به آغوش می‏کشد و می‏پرورد.این‏ دایرة المعارف به میراث فرهنگی ما نظم و سامان‏ می‏بخشد و یکجا قابل عرضه و شناسایی می‏سازد. همین شناسایی است که به فرهنگ ملی و اسلامی ما حیات دوباره می‏بخشد و برای آن اساس نیرومندتری‏ پی می‏ریزد.

کیهان فرهنگی:دربارهء هیأت مؤسس‏ و هیأت امنا توضیحاتی بفرمایید و اگر ممکن است اعضای هیأت امنا را معرفی‏ کنید.

موسوی بجنوردی:اعضای هیأت مؤسس ما همان‏ اعضای هیأت امنای کنونی هستند که پنج نفرند: حضرت آیت الله سید مهدی موسوی بجنوردی؛ حضرت حجت الاسلام و المسلمین،مجاهد بزرگ آقای‏ شیخ محمد جواد حجتی کرمانی؛مجاهد نستوه آقای‏ ابوالقاسم سرحدی‏زاده؛آقای مهندس سید حسن‏ طباطبایی،از مبارزان قدیمی و خود بنده.حالا به‏ اختصار توضیحاتی دربارهء هر یک می‏دهم:1-حضرت‏ آیت الله سید محمد مهدی موسوی بجنوردی اخوی‏ حقیر که از علما هستند و در زندگی انزوا گزیده‏اند و فقط در منزل درس خارج فقه و اصول می‏گویند و شاگردان خوب و فاضلی تا کنون به جامعه تحویل‏ داده‏اند.سی سال پیش مرحوم پدرم که از علمای‏ برجستهء شیعه بودند،می‏گفتند که آقا مهدی مجتهد مسلم است.2-حضرت حجت الاسلام و المسلمین‏ آقای محمد جواد حجتی کرمانی که کمی بیش از ده‏ سال از عمر خود را در زندان رژیم شاه سپری ساختند و من به شخصه کمتر کسی را مثل ایشان دیده‏ام که با جثه‏ای به نسبت کوچک این چنین دلیر و از خود گذشته باشد.ایشان در دادگاه نظامی رژیم شاه چنان‏ از اسلام و حقوق ملت ایران دفاع کردند که فکر می‏کنم برای همیشه در تاریخ مبارزات ملت ایران ثبت‏ گردد.ایشان در زندان همیشه تکیه‏گاه فکری و روحی‏ زندانیان مذهبی بودند و در برابر رژیم شاه چنان‏ شجاعت و پایداری و مقاومتی از خود نشان می‏دادند که برای همهء ما الگوی ایثار و فداکاری بودند.در ایام‏ حبس و در سلولها ایشان همیشه به دیگران روحیه‏ می‏دادند و در مراسمی که پیش می‏آمد،شجاعانه

می‏انداختند.3-آقای ابو القاسم سرحدی‏زاده که در جریان مبارزه با رژیم شاه بازداشت و محکوم به حبس‏ ابد شدند.ایشان بیش از سیزده سال در زندان سیاسی‏ رژیم شاه به سر بردند و در پایداری و ایثار و فداکاری‏ ضرب المثل بوده‏اند و می‏باشند.آقای سرحدی‏زاده از اشخاص نادری است که هیچ گاه وسوسه‏های دنیوی او را نفریفته است.ایشان همیشه به ذکر خدا دل قوی‏ داشته و پیوسته مدافع با وفای مستضعفین بوده‏اند. ایشان بعد از انقلاب اسلامی-چه آن هنگام که وزیر و وکیل بودند،چه اکنون که پست حساسی ندارند- توجهی به دنیا نداشته و پیوسته بی‏آلایش زیسته‏اند. 4-آقای مهندس سید حسن طباطبایی که چند سال‏ در زندان سیاسی به سر بردند و از مبارزان قدیمی‏ هستند.ایشان در سال 1344 که در ایران سکوت‏ مرگباری حکمفرما بود،در جریان مبارزات حزب ملل‏ اسلامی بازداشت شدند و چند سالی را در زندان سپری‏ ساختند.وقتی از زندان آزاد شدند،از مبارزه با رژیم‏ شاه دست نکشیدند و دوباره به صف مبارزان پیوستند که نتیجهء آن بازداشت مجدد ایشان بود.اکنون ایشان‏ معاون وزیر کشاورزی و مجری بزرگ‏ترین طرح ملی‏ هستند،این طرح عبارت است از گسترش کشت‏ نیشکر و ایجاد کارخانجات تولید شکر و کاغذ و خوراک‏ دام و غیره که برای خودکفایی کشورمان نقش کلیدی‏ ایفا خواهد کرد.

کیهان فرهنگی:دربارهء تشکیلات‏ مرکز دایرة المعارف توضیحاتی بدهید.

موسوی بجنوردی:تشکیلات مرکز دایرة المعارف به‏ سه بخش قانونی،علمی و اداری تقسیم می‏شود. تشکیلات قانونی عبارت است از:هیأت امنا که تمام‏ اختیارات را دارد،رئیس هیأت امنا،هیأت عامل،و سرانجام مدیر عامل.دربارهء هیأت امنا پیشتر توضیحاتی داده شد.رئیس هیأت امنا و اعضای هیأت‏ عامل از بین اعضای هیأت امنا انتخاب می‏شوند. اعضای هیأت عامل عبارتند از:آقای ابو القاسم‏ سرحدی‏زاده،آقای مهندس سید حسن طباطبایی و این جانب.هیأت عامل،مدیر عامل را انتخاب می‏کند که اکنون مسؤولیت آن و نیز ریاست هیأت امنا به حقیر داده شده است.

سازمان علمی مرکز دایرة المعارف عبارت است از: سرپرستی و سرویراستاری که به عهده حقیر است، شورای مدیران و مشاوران که متشکل از مسؤولین‏ بخش‏ها و مشاوران عالی است.بخش‏ها نیز به قرار زیر است:بخش تاریخ،بخش فقه و علوم قرآنی و حدیث، بخش حقوق،بخش جغرافیا،بخش کلام و فرق،بخش‏ عرفان،بخش ادیان،بخش ادبیات،بخش کنترل، بخش هنر و معماری،بخش منابع خارجی،بخش‏ ادبیات عرب،بخش زبان شناسی،بخش مردم شناسی، بخش ویرایش و چاپ که اعضای آن همه از دستیاران‏ سرویراستاری هستند،محورهای ویراستاری،بخش‏ کتابخانه که خود دارای بخشهایی است،بخش‏ پرونده‏های علمی،بخش دایرة المعارف عربی،بخش‏ دایرة المعارف فلسطین که خود دارای بخشهایی است، بخش دایرة المعارف انگلیسی،بخش دایرة المعارف‏ بزرگ ایران که خود دارای بخشهایی است:بخش علوم، بخش ایران شناسی،بخش گزینش عناوین که‏ هماهنگی این بخشها به عهدهء سرویراستاری است.

بخش اداری مرکز نیز عبارت است از معاونت اداری و مالی که امور مالی و پرسنلی و دبیرخانه و خدمات را به‏ عهده دارد.

کیهان فرهنگی:لطفا وظایف خودتان‏ را به عنوان سرپرست و سرویراستار توضیح دهید.

موسوی بجنوردی:وظایف اینجانب بسیار پیچیده‏ است؛نظارت بر همهء مراحل و ایفای نقش هماهنگ‏کننده،از انتخاب عنوان گرفته تا تشکیل پروندهء علمی‏ و سپس تألیف و کنترل و ویرایش آن در مراحل مختلف. هدف نهایی از اعمال چنین نقشی سه چیز عمده‏ است:بالا بودن کیفیت مقالات،نظارت دقیق بر محتوای آنها و سرانجام تهیهء مقالات در زمان مناسب و هدایت همهء ارگانهای سازمان به سوی هدف مشترک.

کیهان فرهنگی:سپاسگزاریم.

گفتگو با حجت الاسلام حجتی‏ کرمانی

(مشاور هیأت علمی،مؤلف و ویراستار مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی)

کیهان فرهنگی:حضرت عالی به‏ عنوان یکی از مشاوران هیأت علمی، مؤلف و ویراستار با مرکز دایرة المعارف‏ همکاری دارید،ممکن است دربارهء مسؤولیت‏های خود توضیحاتی‏ بفرمایید؟

حجت الاسلام حجتی کرمانی:ابتدا لازم می‏دانم‏ به پیشینهء خود در دایرة المعارف و مؤسس آن برادر عزیزمان جناب آقای بجنوردی اشاره کنم.از آنجا که‏ کار من در دایرة المعارف مربوط به پیشینه‏ای با آقای‏ بجنوردی است،ترجیح می‏دهم نخست اشاره‏ای به‏ سوابقمان با ایشان داشته باشم:در سال 1343 زمانی‏ که امام خمینی(ره)در تبعید به سر می‏بردند،در شهر قم در اتاق آقای برزگر که اکنون در قوهء قضائیه تهران‏ شاغل هستند به صورت کاملا اتفاقی با آقای بجنوردی‏ آشنا شدم.ایشان در آن،زمان سپاهی دانش بودند و دورهء سربازی‏شان را در قم سپری می‏کردند.در نخستین لحظات دیدار،آقای بجنوردی با جذبهء فراوان‏ با ما گرم گرفت و من نیز با ایشان...؛نشستیم و یک‏ ساعت و نیم دربارهء نهضت اسلامی ایران با هم صحبت‏ کردیم.محور صحبت ما،قیام امام خمینی و تبعید ایشان بود و اینکه حالا چه باید کرد.پایهء رفاقت ما با آقای بجنوردی در آن روز گذاشته شد.صحبتهای ما دربارهء لزوم متشکل کردن نهضت بود،در قالب‏ تشکیلاتی منسجم.این رفاقت منجر به ورود من به‏ حزب ملل اسلامی شد که ایشان آن را تأسیس کرده بود و به صورت تشکیلاتی مسلح و مخفی در تهران و قم به‏ فعالیت مشغول بود.چندی بر این منوال گذشت و کار پنهانی حزب ادامه داشت تا به دستگیری ما در پاییز سال 1344 انجامید.آقای بجنوردی،آقای‏ سرحدی‏زاده و آقای ناصر اورامی در کوههای شاه‏آباد (دارآباد)تهران دستگیر شدند و آقای سید علی مولوی‏ عربشاهی که اینک همکار ما در دایرة المعارف‏ هستند،موفق به فرار و خروج از کشور شد و یک تن‏ دیگر چند روز بعد دستگیر شد.پس از یک ماه از دستگیری این برادران،من نیز دستگیر شدم و در زندان شب و روز با هم بودیم.حکم اعدام دادگاه اول و دوم آقای بجنوردی به حبس ابد تبدیل شد و 55 نفر اعضای دستگیر شدهء حزب همگی به حبسهای طولانی‏ از سه سال تا ابد محکوم شدند و من هم به 10 سال‏ زندان محکوم شدم و تمام این مدت را در زندان سپری‏ کردم.من در سال 54 آزاد شدم و آقای بجنوردی در سال 57 در آستانهء پیروزی انقلاب پس از حدود 14 سال از زندان آزاد شدند.بعد از پیروزی انقلاب‏ اسلامی،آقای بجنوردی در سمتهای مختلفی مشغول‏ به کار شد،از جمله استانداری اصفهان،عضویت در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و...سرانجام‏ در انتخابات دورهء اول مجلس شورای اسلامی من و ایشان از تهران کاندیدا شدیم و به مجلس راه یافتیم و مدت چهار سال در مجلس با هم بودیم و هم فکری وهمکاریمان در مجلس ادامه داشت و در جریانات‏ سیاسی آن ایام،برنامه‏های مشترکی با ایشان و حضرت‏ آیت الله انواری و چند تن از دوستان دیگر داشتیم. مرحوم شیخ فضل الله محلاتی شهید نیز تا وقتی که‏ زنده بود،با ما همفکری می‏کرد.در آستانهء پایان دورهء اول مجلس-که هم من و هم آقای بجنوردی از نمایندگی مجلس خسته شده بودیم-آقای بجنوردی‏ یکی دو مرتبه مرا دید و گفت:من می‏خواهم بعد از پایان این دورهء مجلس به تأسیس مؤسسه‏ای برای نشر دایرة المعارف بپردازم.من به حقیقت با بی‏میلی و سردی به آقای بجنوردی جواب دادم و به ایشان گفتم‏ که این کار از عهدهء امثال من و شما بر نمی‏آید،چون کار دایرة المعارف کاری است بسیار تخصصی و علمی؛و باید کسی که این کار را شروع می‏کند،از پیشینه و کارکشتگی علمی قابل قبولی برخوردار باشد و معروفیتی بین اهل فضل و علم داشته باشد.کسانی‏ باید دایرة المعارف بنویسند که یا دکترای فلسفه یا حقوق یا تاریخ داشته باشند،یا عناوینی در رشته‏های‏ دیگر،یا اینکه مجتهد باشند،خلاصه باید محققان و نویسندگان بزرگی باشند و برای امثال من و شما که در این زمینه شهرتی نداریم،امید موفقیت چندانی وجود ندارد.ما مدتها توی کار سیاست و مبارزه بوده‏ایم و شما به عنوان یک چهرهء انقلابی پر شور شناخته می‏شوید و چنین سمعه و شهرتی از ما تناسبی با دایرة المعارف‏ ندارد.ولی ایشان اصرار داشتند که این کار را خواهم‏ کرد و موفق خواهم شد.من هم با ناباوری مسأله را گوش کردم و از هم جدا شدیم.پس از پایان دورهء اول‏ مجلس همچنان دیدارهایی با حضرت آیت الله‏ خامنه‏ای رهبر کنونی انقلاب(ریاست جمهوری‏ اسلامی وقت)،داشتم و به حکم سابقهء آشنایی و ارادت‏ و عشق من به ایشان و محبت و لطفی که ایشان به ما داشتند(جریانی که هم اینک نیز به فضل الهی ادامه‏ دارد)،با ایشان در ارتباط بودم.در یکی از دیدارها، ایشان به من پیشنهاد کردند که حقیر به عنوان مشاور فرهنگی ایشان در دفتر ریاست جمهوری به کار مشغول‏ شوم؛و همین طور هم شد و من متجاوز از پنج سال- بخشی از دوران اول ریاست جمهوری و در تمام مدت‏ دوران دوم ریاست جمهوری ایشان-به عنوان مشاور فرهنگی در دفتر ریاست جمهوری مشغول خدمت‏ شدم و به حکم اینکه کار ما کار فرهنگی بود،به طبع با مسایل فرهنگی رابطه‏ای نزدیک داشتیم و مراکز فرهنگی و مؤسسات فرهنگی و علمی و انتشاراتی با ما مربوط بودند...وقتی که دو نسخه از اولین جلد دایرة المعارف بزرگ اسلامی به دفتر ریاست جمهوری‏ رسید(هم برای خود من و هم برای ریاست جمهوری‏ وقت)با تورقی که کردم،به نظرم اعجاب‏آور و شگفت‏انگیز آمد و به عنوان مشاور رئیس جمهور و دوست صمیمی آقای بجنوردی نامهء تقدیر آمیز مفصلی‏ به ایشان نوشتم.واقعیت هم این است که همان گونه‏ که در این نامه اشاره کرده‏ام،از کسی که در سنین‏ جوانی آنچنان عزم و اراده و تصمیم پولادینی داشت که‏ توانست آن حزب مخفی مسلح را بر ضد رژیم‏ شاهنشاهی تشکیل بدهد و مدت چهارده سال هم در زندان خم به ابرو نیاورد،در عرصهء فرهنگ هم چنین‏ کار سترگی بر خلاف انتظار نیست.گیرم که دو قلمرو متفاوت و دو بخش متضادند،کار چریکی و فعالیت‏ سیاسی و انقلابی و مبارزاتی مقوله‏ای است حتی گاهی‏ در تضاد و منافی با کارهای علمی و تحقیقاتی؛اما آقای‏ بجنوردی نشان داد که نیروی مصمم و ارادهء محکم، قلمرو خاصی نمی‏شناسد.آن اراده‏ای که توانسته بود در کارهای سیاسی و مبارزاتی به آن کار خطیر دست‏ زند،در عرصهء فرهنگ نیز همان توانایی و همان نظم‏ آهنین را دارد.به شهادت همهء اهل فن و همهء برادران و همکاران و فضلا و اندیشمندانی که در این مرکز علمی‏ و تحقیقاتی مشغول کار هستند،اگر قدرت اراده و تصمیم و مدیریت و نظم و آدم شناسی و قدرت جذب‏ نیروهای علمی آقای بجنوردی نبود،این مؤسسهء آبرومند علمی که دارد کم کم در سطح علمی‏ بین المللی اسلامی از جایگاه خوبی برخوردار می‏شود، به وجود نمی‏آمد.باری،پس از آنکه حضرت آیت الله‏ خامنه‏ای به رهبری انقلاب برگزیده شدند،من با خستگی‏ای که از کارهای سیاسی و رسمی داشتم، ترجیح دادم بیشتر به کارهای علمی بپردازم و با توجه‏ به اینکه محل زندگیمان هم به این منطقه که نزدیک‏ دایرة المعارف است،انتقال یافت و به حکم سابقه و جاذبه و رفاقت و صمیمیت قدیم با آقای بجنوردی،به‏ جمع بزرگواران و اندیشمندان دایرة المعارف پیوستم و از جلد دوم نام من جزو هیأت علمی دایرة المعارف ثبت‏ شد و در آغاز ورودم،در خدمت دانشمند محترم آقای‏ خاکی به کار پرداختم و با همکار بزرگوار و دانشمند عالی قدر و متواضع جناب آقای رفیع و نیز جناب آقای‏ مولوی عربشاهی فرزند دانشمند فقید مرحوم حاج‏ سید محمد باقر سبزواری-رحمة الله علیه-به‏ ویراستاری مشغول شدیم.در این ایام،به حکم هم‏ اتاقی،با جناب آقای دکتر شعار،آقای دکتر شایسته، آقای مهرعلی‏زاده،آقای فرزانه و آقای دکتر عالم‏زاده‏ آشنا شدم.در خلال کار ویراستاری،آقای بجنوردی‏ پیشنهاد کردند که من در عین حال،به تألیف هم‏ بپردازم و یکی دو سه مقاله هم نوشتم که چاپ شده‏ است.بعد از من خواسته شد که در جلسات هیأت‏ علمی شرکت کنم.سپس به عضویت هیأت امنای‏ دایرة المعارف هم درآمدم و بجز شرکت در جلسات‏ ماهانهء هیأت علمی،در جلسات دیگری که هر چند گاه‏ یک بار در خدمت حضرت آیت الله سید مهدی‏ بجنوردی(برادر بزرگ آقای بجنوردی که از فقها و مدرسین برجسته تهرانند)و آقای سرحدی‏زاده و آقای‏ طباطبایی و خود آقای بجنوردی تشکیل می‏شود، شرکت می‏کنم.اما آن کار مهم‏تری که بنده مسؤولیتش‏ را پذیرفته‏ام و وقت زیادی از من گرفته است و سنگین‏ هم هست،مسؤولیت نوشتن دو مقالهء بسیار مهم‏ دایرة المعارف است:یکی«امام خمینی»و دیگری‏ «انقلاب اسلامی»که در پایان از آن سخن خواهم گفت.

کیهان فرهنگی:نقش دایرة المعارف‏ بزرگ اسلامی را در گسترش فرهنگ‏ اسلامی چگونه ارزیابی می‏فرمایید؟

حجتی کرمانی:این نکته برای شما روشن است و همهء اصحاب دایرة المعارف هم متوجه این نکته‏ هستند؛برای خوانندگان اهل فضل و کمال این‏ مصاحبه نیز این نکته روشن است که ما در عصر اعجاب‏آوری از نظر بسط معلومات و رشد اندیشه‏های‏ بشری به سر می‏بریم.حقیقت آن است که تلاطم دریای‏ مواج اندیشه‏های بشری در هیچ عصری به اندازهء امروز نبوده است و به خصوص با توجه به نرم‏افزارهای‏ اعجاب‏انگیزی که در اختیار انسان پیشرفتهء امروزی‏ قرار گرفته و سرعت حیرت‏آوری که در محاسبات و ثبت‏ وقایع حاصل شده است و نیز نوآوری و امکان‏ بهره‏برداری و استنباط شگفت‏انگیز از منابع اطلاعاتی‏ پیشرفتهء عصر ما در زمینهء کامپیوتر و دیسکهای نوری و کلیهء وسایل ارتباط جهانی که از اقصا نقاط دنیا آخرین‏ اطلاعات و تحقیقات با زدن یک دکمه منتقل می‏شود، انسان با امواج متلاطم اندیشه‏های گوناگون روبه‏رو می‏گردد.در این عصر که انسانها در سراسر دنیا امکان‏ بهره‏وری از آخرین اطلاعات و اکتشافات و تجربه‏های‏ بشری را دارند،باید بی‏پرده و با تلخی تمام به این‏ واقعیت اعتراف کنیم که جامعه اسلامی ما به معنی اعم‏ -و نه تنها ملت ایران و انقلاب اسلامی-در این عرصهء پهناور ریزه‏خوار خوان گستردهء دانش و اکتشافات‏ علمی جهان است.این اقرار و اعتراف به هیچ وجه برای‏ ما خفت‏آور نیست.به ویژه با توجه به اینکه‏دست‏آوردهای علمی کنونی بشر،میراث تمدن جهانی‏ از جمله تمدن اسلامی ماست،از قدیم گفته‏اند که‏ ندانستن عار نیست،نپرسیدن عار است.البته اگر جامعهء اسلامی و ملت ایران و انقلاب اسلامی در این‏ مرحله از تلاطم و تموج دریای اندیشه‏ها بر کنار بماند و بر ساحل قرار نظاره‏گر این امواج باشد،از ذخایر این‏ دریا-جز آنچه به حکم طبیعت علم و پیشرفت آن همهء دنیا را فرا می‏گیرد-نصیب چندانی نخواهد برد.ما پیشینهء علمی درخشان دیرینه‏ای داریم،حتی آنچه‏ پیش از اسلام در کاروان تمدن بشری سهم ملت ایران‏ می‏شود،کم یا زیاد جز پیشینهء فرهنگی ماست؛اما با توجه به ارمغانی که آیین اسلام برای بشریت آورده،و عقلها و اندیشه‏ها را بیدار کرده،و کاروان بشریت را به‏ طرف علم و کمال برده است و با توجه به اینکه اسلام- آن طور که ما تعریف می‏کنیم و آن گونه که ما می‏فهمیم‏ -آیینی است که با جهل و خرافه و عقب ماندگی و ذلت‏ و خواری و پستی در همهء عرصه‏های زندگی،مخالف‏ است

(و أنتم الاعلون ان کنتم مؤمنین)

،اگر ما مسلمانیم و اگر آن طور که مدعی هستیم،پیشرو مسلمانان دیگر هستیم-چون ما پس از پیروزی انقلاب‏ اسلامی در ایران و تأسیس جمهوری اسلامی،خود را پیشرو مسلمانان دنیا می‏دانیم و بسیاری از مسلمانان‏ هم دربارهء ما چنین می‏اندیشند-اگر بناست چنین‏ چیزی واقعیت پیدا کند،باید صریح و بی‏پرده گفت:«با دست خالی نمی‏شود!»چون همان طوری که اشاره‏ کردم فاصلهء ما با جهان علم زیاد است و اگر ما همهء انسانها را آفریدهء خدا می‏دانیم و فرآورده‏های تمدن را مربوط به کل انسانها می‏دانیم،باید با افتخار و سربلندی در خدمت هر کسی که دانش دارد،دانش‏ بیاموزیم که پیامبر ما(ص)فرمود:

«اطلبوا العلم و لو بالصین»

و حضرت علی(ع)فرمود:«خذا الحکمة و لو من‏ اهل النفاق».و از این گونه توصیه‏ها و ارشادات در قرآن‏ و آثار اولیای دین فراوان آمده است.در این آثار آمده‏ است که پیامبران حتی از شیطان علم و موعظه یاد می‏گرفتند!بنا بر این،اگر هم فاصلهء ما از نظر اخلاقی و یا از نظر اینکه ما خودمان را امت برتر می‏دانیم با آموزگاران علم دنیا حتی فاصلهء بین رحمان و شیطان‏ باشد،حتی اگر ما دنیای متمدن را شیطان بدانیم-که‏ بخشی از این دنیا را شیطان می‏دانیم و به واقع هم‏ هست-اما هیچ یک از اینها مانع نمی‏شود که ما در مکتب تمدن و دانش بشری دانش بیاموزیم و یا به آنها دانش بیاموزیم.این تبادل معلومات هم باعث پیشرفت‏ خود ما می‏شود و هم اگر ما بضاعتی داشته باشیم-که‏ میراث گران‏قدر گذشته‏مان را داریم-می‏توانیم به‏ جهان بشریت عرضه کنیم.ما وظیفه داریم که این کار را بکنیم:هم تعلیم،هم تعلم،هم یادگیری و هم یاد دادن.این دو،از زیباترین ارزشهای دین اسلام است. قرآن به قلم سوگند خورده است و می‏فرماید:

«ن و القلم‏ و ما یسطرون»

.ما به عنوان پیروان دین اسلام و به عنوان‏ وارثان کهن‏ترین ملل متمدن جهان،نباید و نمی‏توانیم‏ از دنیا عقب بمانیم.ما اگر هم برخی‏مان خیلی به‏ اسلام یا انقلاب و جمهوری اسلامی عقیده نداشته‏ باشند،بالاخره ایرانی هستیم و سابقهء درخشانی داریم. ملت کهنی هستیم با شخصیت‏های فرهیخته و نام‏آوری در عرصهء تمدن جهانی که البته دورهء اسلامیمان درخشندگی ویژه و روشن‏تری دارد.

پس از این مقدمه می‏رسیم به نقش دایرة المعارف‏ بزرگ اسلامی:به نظر من در قلمروی که بنده عرضه‏ می‏کنم،دایرة المعارف یک قدم بسیار بزرگ،هم برای‏ آموزش دادن به دنیا،هم برای آموزش گرفتن از دنیاست.فرهیختگانی که در کار نگارش این اثر جاودانه هستند،از آخرین دست مایه‏های بشری در کار تحقیق استفاده می‏کنند.از یک سو ایرانیان و فارسی زبانان،از طریق دایرة المعارف بزرگ اسلامی با معارف دیرینهء خودشان با استفاده از دستمایه‏های‏بشری آشنا می‏شوند،و از سوی دیگر ترجمه‏های آن به‏ زبانهای دیگر-که هم اکنون در مرکز صورت می‏پذیرد -در واقع به عنوان ارمغان جامعهء اسلامی انقلابی ایران‏ در عرصهء علم و اندیشه به دنیا عرضه می‏شود؛و چون‏ برای فراهم آوردن چنین اثری نویسندگان‏ دایرة المعارف با معارف عصر و فرآورده‏های اندیشهء بشری آشنا می‏شوند،این تبادل معلومات به حکم‏ ضرورت،صورت می‏گیرد.من نمی‏گویم آنچه اکنون در دایرة المعارف می‏گذرد در حال حاضر در حد ایده‏آل‏ است و خود آقای بجنوردی هم که مؤسس این مرکز،و در رأس این کار است،چنین نظری ندارد.هیأت علمی‏ دایرة المعارف با سختکوشی و تلاش و مطالعهء دایم در حال پیشرفت دادن و تکامل بخشیدن به این کار علمی‏ هستند.و این کار،تنها در بخش علمی و فکری و تحقیقاتی صورت نمی‏گیرد،بلکه برای توسعهء مرکز دایرة المعارف از نظر جا و مکان نیز کوشش می‏شود. اکنون در«کاشانک»ساختمان عظیمی در دست‏

احداث است که در آینده به صورت یک مرکز مطالعاتی‏ جهانی برای دایرة المعارف درخواهد آمد.شما می‏دانید که اکنون ما از نظر امکانات فیزیکی در تنگنا هستیم. تنگی جا،نبودن امکانات کافی،مرتب نبودن منابع به‏ سبب تنگی جا،از جمله کمبودهای کنونی‏ دایرة المعارف است و ان شاء الله همهء کارها رو به‏ پیشرفت است،به خصوص کامپیوتری کردن کل منابع‏ دایرة المعارف و اتصال به شبکه جهانی کامپیوتری. البته پیوند مستقیم با مراکز علمی و دانشگاههای‏ پیشرفتهء دنیا از جمله برنامه‏های دایرة المعارف است که‏ اکنون با پرداخت حق الاشتراک گزافی که دارد،از عهدهء آن بر نمی‏آییم،ولی در آینده ان شاء الله با بهره‏گیری از این تکنولوژی پیشرفته،بی‏تردید به‏ پیشرفتهای بیشتری نایل خواهیم آمد.خلاصه آنکه‏ آقای بجنوردی و دیگر اندیشمندانی که مشغول کار هستند،از فضای علمی و تحقیقاتی دنیا تنفس و استنشاق می‏کنند و به نقاط مثبت و منفی کارشان‏ اجمالا متوجهند.ما همه‏مان می‏دانیم که از لحاظ علمی،تحقیقاتی و تکنولوژیکی با دنیا فاصلهء بسیار داریم؛لذا بر ما واجب عینی است که با استعانت از درگاه خدا و به یاری اولیای دین و با کمک نظام و رهبری انقلاب و مسؤولان جمهوری اسلامی این پایگاه‏ معتبر علمی را به صورت خورشید درخشانی در آسمان‏ علم و فضیلت در جهان اسلام درآوریم.

کیهان فرهنگی:با توجه به مجلدات‏ انتشار یافته دایرة المعارف بزرگ‏ اسلامی،این دایرة المعارف را از نظر بازتاباندن فرهنگ اسلامی چگونه‏ ارزیابی می‏کنید؟

حجتی کرمانی:تصور می‏کنم کسانی که حتی به‏ تورق اجمالی این ارمغان گرانبهای ایران اسلامی توفیق‏ یافته‏اند،متوجه شده‏اند که در هر مبحثی که‏ دایرة المعارف وارد شده و قلم زده است،سعی کرده به‏ طور مستوفی عطش خواننده را فرو بنشاند و او را از مراجعه به سایر مراجع بی‏نیاز کند؛اما اینکه آیا توانسته‏ است در حد مطلوب به این مقصود برسد؟تصور می‏کنم که اگر کسی این ادعا را داشته باشد،قادر به‏ اثبات آن نخواهد بود.علت را عرض کردم.کار از صفر شروع شده و همت عالی بیش از ظرفیت فیزیکی کار بوده است و به هر حال در هر کاری که شروع می‏شود، نقایصی وجود دارد،ولی دایرة المعارف بزرگ اسلامی، در یک دید کلی و اجمالی،به نظر من بسیاری از نیازها را فرو می‏نشاند و نقص‏ها هم در آینده جبران خواهد شد.

کیهان فرهنگی:به نظر حضرت عالی‏ هدف از تدوین و انتشار دایرة المعارف‏ بزرگ اسلامی چیست؟

حجتی کرمانی:به نظرم در خلال گفتگو تا اندازه‏ای به این پرسش پاسخ گفته شد،اما در کل‏ عرض می‏کنم که نیاز جامعه اسلامی ما این است که‏ بتواند با سبکی جدید معارف اسلامی را معرفی کند. نیاز به آشنایی با معارفی که در حوزهء دنیای اسلام قرار دارد،اعم از معارف تاریخی،جغرافیایی،اعتقادی، علمی،فرهنگی و هنری و نیز شناخت«اعلام»جهان‏ اسلام برای همگان روشن است و گرد آمدن این معارف‏ گسترده،در نگارش جدید با توجه به آنچه در این‏ مقولات،در جهان علم معاصر وجود دارد،یک ضرورت‏ بدیهی است.دایرة المعارفهایی که بیگانگان نوشته‏اند و برخی از کشورهای اسلامی هم آنها را ترجمه‏ کرده‏اند،وجود دارد،اما چنین مجموعه‏ای به زبان‏ فارسی در حد مقبول و به اصطلاح در مقیاس‏ استانداردهای جهانی دایرة المعارفها در حدی که‏ خارجی‏ها نوشته‏اند،در دست نداریم و این کار به حق‏ گام اولی است که برای این هدف عالی برداشته‏ می‏شود.آنچه فراهم می‏آید،به یقین پدیده‏ای‏ استثنایی است.

کیهان فرهنگی:به نظر حضرت عالی‏ که از قدیم با آقای بجنوردی هستید،آیا ایشان در پیمودن راه به سوی هدف‏ بزرگ خود موفق بوده‏اند؟

حجتی کرمانی:ایشان باید خدا را شکر کنند و من و همهء ما نیز باید خدا را شکر کنیم.من بارها به ایشان‏ گفته‏ام که ما عاجزیم از ادای شکر الهی.نخست اینکه‏ خدا ایشان را در زندان از خطر مرگ نجات داد،چون‏ ایشان در دادگاه اول نظامی ارتش محکوم به اعدام شد و در دادگاه دوم هم محکوم به اعدام شد و مدتی که در زندان مجرد به سر می‏برد و از ما جدا بود،دیگر بعید می‏دانستیم که ایشان را ببینیم،ولی به لطف الهی‏ شرایط طوری شد که با پشتکار مرحوم آیت الله العظمی‏ حکیم و مرحوم آیت الله العظمی بجنوردی پدر بزرگوار ایشان-رحمت الله علیهما-و همچنین دانشجویان و انجمنهای اسلامی اروپا و آمریکا با تلگرافها و تظاهراتشان در ضدیت با اعدام آقای بجنوردی، سرانجام ایشان از مرگ نجات یافتند و پس از گذراندن‏ حدود چهارده سال از زندان مرخص شدند و سرانجام‏ خدا توفیقشان داد که با همکاری دانشمندان بزرگوار به‏ این مهم دست یازند.آقای بجنوردی با پشتوانهء نیروی‏ جوانی و سرزندگی و هوش و ذکاوت و حسن تدبیر و حسن برخورد و بلند نظری و آقا منشی و امید و تلاش و بینش برای یارگیری و جذب نیروهای همکار-که از همهء اینها مشکل‏تر جذب نیروهای علمی است-در این‏کار بحمد الله تا کنون موفق بوده است.دانشمندان‏ بزرگواری که برخی از آنها،هم از نظر علمی و هم از نظر سنی،از ایشان بزرگ‏ترند،با خلوص و تواضع در جلساتی که به ریاست ایشان تشکیل می‏شود،با همت‏ و پشتکار و بلند نظری شرکت می‏کنند و افتخار هم‏ می‏کنند که سرپرست این کار آقای بجنوردی است.من‏ به خصوص از حضرت آیت الله خامنه‏ای رهبر معظم‏ انقلاب درخواست کردم اینجا را مورد عنایت بیشتر قرار داده،دستور بدهند کمکهای مادی و معنوی زیادی‏ بشود و باید بگویم در دیدارهایی که به اتفاق آقای‏ بجنوردی با رهبر انقلاب داشتیم،دیدم که عنایت‏ خاصی به مرکز دارند و آقای بجنوردی را مورد تأیید قرار دادند و خیلی از همت ایشان تعریف کردند و در دیداری که به اتفاق آقای بجنوردی و آقای محقق‏ داماد با جناب آقای هاشمی رئیس جمهور داشتیم، ایشان هم همین طور قول همکاری دادند و هم تشویق‏ کردند و به طور کلی در این مراحل آقای بجنوردی‏ احتیاج به کمک دارد و شخصیت‏های انقلاب در جریان‏ هستند و قول کمک داده‏اند،ولی به هر حال اگر همت‏ ایشان و پشتکار ایشان نباشد،این کار ادامه پیدا نخواهد کرد؛و باز تأکید می‏کنم که کمک به مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی و تأیید علمی و عملی و مادی و معنوی از این مرکز-که آبرویی است برای نظام‏ اسلامی و برای ایران-بسیار ضروری است.

کیهان فرهنگی:در آغاز این گفتگو اشاره‏ای داشتید به دو مقالهء«امام‏ خمینی»و«انقلاب اسلامی»؛در این‏ زمینه توضیح بیشتری بدهید؟

حجتی کرمانی:ما در حرف«الف»چند مقاله‏ خواهیم داشت که مقالات کلیدی و مهمی خواهد بود: یکی مقالهء«انقلاب اسلامی»و یکی هم مقالهء«امام‏ خمینی»است.بناست این دو مقاله را من بنویسم. مقاله«انقلاب اسلامی»در حرف الف خواهد آمد و من‏ در حال حاضر مشغول تهیه فیش‏های آن هستم.پیش‏ از آن،برای مقالهء«امام خمینی»مقداری فیش تهیه‏ کردم،با دفتر نشر آثار حضرت امام و برادر عزیزمان‏ مرحوم حاج احمد خمینی و دست‏اندرکاران دفتر نشر آثار صحبت کردیم و بنا شد آنها برای نوشتن مقالهء امام‏ خمینی به ما یاری رسانند.اما مقالهء«امام خمینی»بعد از بررسی‏های فراوان و با توجه به اینکه شاید وقتی که‏ جلد مربوط به آن آماده شود،موفق به نگارش کامل‏ مقاله نشده باشیم،بنا بر این شد که آن را در حرف«خ» بیاوریم،ولی به هر حال این دو مقاله از مهم‏ترین‏ مقالاتی هستند که به سبب کمبود منابع مدون و تاریخی نشدن این دو مقوله تنظیمشان مشکل است. شما می‏دانید که بخش کتاب شناسی و بخش‏ پرونده‏های علمی مرکز کار مؤلفان را بسیار آسان‏ می‏کنند،چون اینها کارهای مقدماتی را انجام‏ می‏دهند و نویسندهء مقاله دیگر درگیر مراجعه به منابع‏ نیست،چون مدارک آماده در پوشه‏ای در اختیار اوست؛ و مؤلف تنها کاری که می‏کند این است که از مدارک‏ داخل پوشه استفاده کند و مقاله‏اش را بنویسد.اما هیچ یک از این کارها دربارهء مقاله‏های«انقلاب‏ اسلامی»و«امام خمینی»صورت نگرفته است و پروندهء علمی به آن صورت که همهء منابع و آنچه مربوط به این‏ دو مدخل است آماده باشد،در اختیار نیست و من باید به تنهایی این کار مهم را انجام بدهم.نکته دیگر در این‏ دو مورد که در حقیقت اشکال مضاعف است،این که‏ استفاده از منابع در این دو مدخل از نظر علمی‏ دایرة المعارفی کار بسیار مشکلی است،چون منابع‏ موجود یا گزارش گونه است و توصیفی و یا حماسی و سیاسی.آنچه در دایرة المعارف دربارهء این دو مدخل‏ باید آورده شود،بحث علمی دایرة المعارفی است که‏ مقوله‏ای است ورای هیجانات و احساسات و حماسه‏هایی که به طور معمول یک پدیده را از جنبهءعلمی دور می‏کند.منظورم این نیست که در مقالهء «انقلاب اسلامی»یا«امام خمینی»(ره)ما از جنبهء حماسی و احساسات طرفدارانه و مخلصانه‏ای که‏ دربارهء پدیده انقلاب و در مورد شخص امام راحل(ره)به‏ حق بوده و هست،دور بشویم و یا این مقولات را دست‏ کم بگیریم؛زیرا ما در برابر این انقلاب عظیم و حماسهء بزرگی که این ملت آفرید و عظمت روحیی که امام‏ راحل داشت،خاضعیم.من خودم را عرض می‏کنم:به‏ عنوان شاگرد امام و عاشق انقلاب و کسی که تا آن‏ حدی که ارزش وجودی‏اش بوده است،برای این‏ انقلاب و نیز رفع نقایص آن تلاش کرده است،نمی‏توانم‏ برای این حماسه‏های جاودانه اصالت قایل نباشم و آن‏ را پاک و مقدس ندانم.همهء این حماسه‏ها،همهء نوشته‏هایی که از روی اخلاص برای امام و انقلاب‏ نوشته شده،مقدس است.خود من هم از این قبیل‏ نوشته‏ها دارم؛اما قلمرو بحث دایرة المعارف علمی‏ چیزی ورای آن است که این منابع در اختیار ما می‏گذارد.

ماهیت واقعی انقلاب،با توجه به آرمان خواهی و مسلمان بودن ملت ایران و به حکم غریزهء تعالی طلب‏ نامتناهی انسانی و سوابق تاریخی این ملت و نیز با بررسی واقعیت استعمار و گذشتهء ایران و اسلام و موقعیت کنونی اسلام نسبت به سایر ادیان و سیاستهای جهانی و از این قبیل مسایل،در خور تحلیل علمی-تاریخی دقیق و مفصلی است.همچنین‏ در مورد شخصیت امام خمینی،پی‏جویی از تکون‏ شخصیت ایشان در دوران کودکی،تبارنامهء ایشان تا ائمهء معصومین و اجدادشان از نیشابور تا هند و از هند تا ایران(اجداد امام سادات نیشابوری بودند که‏ مهاجرت کرده بودند به کشمیر و از کشمیر به خمین) و نیز اثرات اوضاع اجتماعی خمین و اوضاع عشیره‏ای و خان خانیی که در آنجا حاکم بوده است،اثر شهادت‏ پدر امام در روحیهء ایشان و نیز نقش استادان و دوستان‏ ایشان و رجال دینی و سیاسی معاصر ایشان و نیز تحلیل دوران پهلوی اول و دوم و شخصیتهایی که در فکر امام اثر داشتند،از قبیل مرحوم مدرس و بزرگان‏ دیگر،مجموعهء اینها در یک دید تاریخی-علمی- تحقیقی باید مورد بررسی قرار گیرد و نیز آثاری که امام‏ در قلمروهای علمی داشته‏اند-اعم از فقهی،اصولی، عرفانی و فلسفی-و نیز جنبهء هنری امام که در اشعار نغز ایشان متجلی است و به ویژه نظرات ویژه و شجاعانهء فقهی و عرفانی و اجتماعی و سیاسی ایشان و اثری که‏ در تجدید تفکر اسلامی در جهان و تجدید عظمت‏ اسلام داشته‏اند؛و نیز تحول مبارکی که در قلمرو فقه و اصول و تجدید حیات عرفان و فلسفه در حوزه‏ها آغاز کردند،افزون بر آنچه دوست و دشمن دربارهء انقلاب و امام گفته و اظهار داشته‏اند،چه آنهایی که از سر جهالت و نادانی بوده،چه آنهایی که از سر غرض ورزی و تعصب ضد اسلامی و ضد ایرانی و یا به سبب‏ گرایشهای امپریالیستی و استعمار طلبانه بوده است و همچنین آنچه در داخل جامعهء اسلامی و حوزهء تشیع و روحانیت،از افکار موافق و مخالف در مورد انقلاب‏ اسلامی و امام خمینی وجود دارد؛و خلاصه بررسی‏ نقادانه و علمی آنچه موافقان و مخالفان دربارهء نظرات‏ امام در قلمروهای مختلف اظهار داشته‏اند،چه‏ مخلصانه،چه مغرضانه،وظیفهء مهمی است که در دو مقالهء«انقلاب اسلامی»و«امام خمینی»بر عهدهء ماست‏ و ما در نوشتن این دو مقاله،مسؤولیتی بسیار خطیر و سخت و مشکل داریم که از خدای متعال برای انجام آن‏ استعانت می‏جوییم.و من از تمام کسانی که می‏توانند در این زمینه به این ناتوان کمک کنند،دعوت می‏کنم‏ که هر گونه نظر و مطلبی برای درج در این دو مقاله‏ دارند،به دفتر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی‏ بفرستند که موجب امتنان بسیار است.